



بررسی تطبیقی طبقة راویان روایات تفسیری حوزه فضایل اهل بیت علیهم السلام و خلفا

حامد دژآباد^۱

چکیده

در قرآن کریم، آیاتی در فضیلت اشخاص مختلف ذکر شده است. در منابع روایی و تفسیری شیعه و اهل سنت، درباره تطبیق این آیات بر افراد خاص، به ویژه برخی از صحابه، بحث‌های فراوانی مطرح بوده و همچنان ادامه دارد. اهل سنت، بر پایه مبانی ویژه‌ای که بیان می‌کنند و با استناد به برخی روایات، این آیات را برای اثبات خلافت و برتری ابوبکر و سایر خلفا مورد استفاده قرار می‌دهند. این پژوهش، با روش تطبیقی، در پی آن است که نشان دهد مستندات روایی اهل سنت عمدتاً از دوران تابعان آغاز شده و در عین حال، همین مستندات نیز از نظر سند و محتوا با ضعف‌ها و اشکالات متعددی روبه‌رو هستند. افزون بر این، این روایات تنها در منابع اهل سنت یافت می‌شوند. در مقابل، مستندات شیعه ذیل آیات ولایت و فضایل اهل بیت علیهم السلام، همگی از طبقه صحابه، با طرق متعدد و در منابع گوناگون شیعه و سنی روایت شده‌اند و با سیاق و ظاهر آیات قرآن و نیز با شواهد و حقایق تاریخی هماهنگی دارند.

کلیدواژه‌ها: طبقه راویان، فضایل اهل بیت، صحابه، روایات تفسیری، بررسی تطبیقی.

۱. مقدمه

مسئله خلافت و جانشینی پس از پیامبر اکرم ﷺ، از مهم‌ترین مباحثی است که از صدر

۱. دانشیار دانشکده‌های فارابی دانشگاه تهران (h.dejabad@ut.ac.ir).

اسلام تاکنون مورد توجه مسلمانان قرار داشته است؛ به گونه‌ای که هیچ موضوعی به اندازه آن محلّ نزاع و مناقشه نبوده است. در این میان، برخی از مفسران و متکلمان اهل سنتّ کوشیده‌اند، در برابر آیات فراوانی از قرآن که در فضیلت و ولایت اهل بیت علیهم‌السلام نازل شده‌اند - مانند آیات ولایت (مائده: ۵۵)، ابلاغ (مائده: ۶۷)، اکمال (مائده: ۳)، اولی الامر (نساء: ۵۹)، تطهیر (احزاب: ۳۳)، مباحله (آل عمران: ۶۱) و... - برای آنچه پس از رحلت پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وآلهم‌وسلم، برخلاف فرمان الهی و اعلان پیامبر، عملاً رخ داد، مستندات قرآنی بیابند.

این پدیده هم در آثار کلامی اهل سنتّ و هم در منابع تفسیری آنان مشاهده می‌شود. آنان، با استناد به مبانی خاص خود، به آیاتی از قرآن کریم برای اثبات خلافت و برتری ابوبکر و سایر خلفا تمسک می‌جویند. مهم‌ترین مستندات قرآنی ایشان عبارت‌اند از: آیه مخلفین (فتح: ۱۶)، آیه ارتداد (مائده: ۵۴)، آیه استخلاف (نور: ۵۵) و آیه اولوا الفضل (نور: ۲۲). آنان در ذیل این آیات، برای اثبات فضیلت و خلافت خلفا، روایات تفسیری را نقل می‌کنند و بدین سان چنین وانمود می‌شود که این آیات در تأیید خلافت آنان نازل شده‌اند.

با نگاهی به سلسله‌سند این روایات تفسیری مشاهده می‌شود که در بسیاری از موارد، این روایات در طبقه نخست راویان خود، به تابعان می‌رسند، نه به صحابه.

این پژوهش، با رویکردی تطبیقی، در پی آن است که با مقایسه مستندات روایی اهل سنتّ ذیل آیات موسوم به فضایل خلفا، و مستندات روایی شیعه ذیل آیات ولایت و فضایل اهل بیت علیهم‌السلام، میزان اعتبار این مستندات را از رهگذر روشن شدن طبقه راویان آن‌ها نشان دهد.

در حوزه امامت و ولایت، گرچه آثار فراوان و ارزشمندی تألیف شده‌اند، اما درخصوص موضوع خاص این پژوهش، یعنی بررسی تطبیقی طبقات راویان فریقین، اثر مستقلی مشاهده نمی‌شود. در کتاب ارزیابی ادله قرآنی خلافت خلفا و نیز در کتاب ارزیابی ادله سیوطی در رساله الحبل الوثیق فی نصره الصدیق، افزون بر مباحث تفسیری و ادبی، مباحث روایی نیز بررسی شده‌اند، اما در این آثار، تنها روایات اهل سنتّ از نظر سند و دلالت ارزیابی شده‌اند. افزون بر این، این آثار نه تنها اساساً ناظر به فضایل اهل بیت نیستند، بلکه بررسی طبقه راویان نیز موضوع آن‌ها نبوده است.



۲. بررسی مستندات شیعه

آیات فراوانی در قرآن درباره امامت و فضایل اهل بیت علیهم السلام وجود دارد. در این پژوهش، روایات تفسیری مربوط به این آیات، از منظر «طبقه رایان» و با محوریت روایاتی که از صحابه نقل شده‌اند، و با تأکید بر منابع اهل سنت، مورد بررسی قرار می‌گیرد.

شایان ذکر است که در تحلیل روایات تفسیری، تنها از روایات منقول از صحابه و تابعان استفاده شده است. از میان اهل بیت علیهم السلام، تنها روایات سه تن از امامان معصوم علیهم السلام - امام علی علیهم السلام، امام حسن علیهم السلام و امام حسین علیهم السلام - ذکر شده‌اند؛ چراکه این بزرگواران در شمار صحابه پیامبر ﷺ قرار می‌گیرند.

مهم‌ترین و مشهورترین این آیات عبارت‌اند از:

۲ - ۱. آیه ولایت

﴿إِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَالَّذِينَ آمَنُوا الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَهُمْ رَاكِعُونَ﴾ (مائده: ۵۵)

روایات فراوانی از طریق صحابه و تابعان، در منابع شیعه و اهل سنت نقل شده‌اند که مضمون مشترک آن‌ها درباره بخشیدن انگشتی در حال رکوع، توسط امیرالمؤمنین علی علیهم السلام است. صحابه‌ای که ماجرای خاتم بخشی امیرالمؤمنین علی علیهم السلام در حال رکوع را روایت کرده‌اند، عبارت‌اند از:

۲ - ۱ - ۱. امام علی علیهم السلام

حاکم حسکانی در شواهد التنزیل، حاکم نیشابوری در معرفة علوم الحديث، ابن عساکر، ابن کثیر و شماری دیگر از دانشمندان اهل سنت، ماجرای خاتم بخشی را به نقل از امام علی علیهم السلام روایت کرده‌اند (حسکانی، ۱۴۱۱ق، ج ۱، ص ۲۰۹؛ حاکم نیشابوری، ۱۴۲۴ق، ص ۱۰۲؛ ابن عساکر، ۱۴۱۵ق، ج ۲، ص ۴۰۲؛ ابن کثیر، ۱۴۱۹ق، ج ۷، ص ۳۵۷).

۲ - ۱ - ۲. ابوذر غفاری

ثعلبی در تفسیر خود (ثعلبی، ۱۴۲۲ق، ج ۴، ص ۸۰)، حسکانی در شواهد التنزیل (حسکانی، ۱۴۱۱ق، ج ۱، ص ۲۳۰)، سیوطی در الدر المنثور (سیوطی، ۱۴۰۴ق، ج ۲،

ص ۳۹۳ و بسیاری از مفسران اهل سنت، ذیل این آیه شریف، ماجرای خاتم بخشی را به تفصیل و به نقل از ابوذر غفاری روایت کرده اند.

۲ - ۱ - ۳. ابن عباس

سیوطی روایت خاتم بخشی را به نقل از ابن عباس، از کتاب المتفق، اثر خطیب بغدادی و همچنین از آثار عبدالرزاق، عبد بن حمید، ابن جریر، ابوالشیخ، ابن مردویه و دیگران گزارش کرده است (سیوطی، ۱۴۰۴ق، ج ۲، ص ۳۹۳).

۲ - ۱ - ۴. عمار یاسر

طبرانی در المعجم الأوسط و ابن مردویه، از عمار بن یاسر نقل کرده اند:

سانلی بر علی علیه السلام وارد شد، در حالی که آن حضرت در نماز مستحب در حال رکوع بود. علی علیه السلام انگشت خود را در آورد و به سائل بخشید. آن شخص نزد رسول خدا صلی الله علیه و آله آمد و ماجرا را به ایشان اطلاع داد. پس این آیه بر پیامبر صلی الله علیه و آله نازل شد: ﴿إِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَالَّذِينَ آمَنُوا الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَهُمْ رَاكِعُونَ﴾. سپس رسول خدا صلی الله علیه و آله این آیه را بر اصحاب خود تلاوت فرمود و فرمود: «مَنْ كُنْتُ مَوْلَاهُ، فَعَلَيْ مَوْلَاهُ؛ اللَّهُمَّ وَالِ مَنْ وَالَاهُ، وَ عَادِ مَنْ عَادَاهُ» (طبرانی، ۱۴۱۵ق، ج ۶، ص ۲۱۸).

۲ - ۱ - ۵. ابورافع

طبرانی، ابن مردویه و ابونعیم، از ابورافع مدنی نقل کرده اند:

بر رسول خدا صلی الله علیه و آله وارد شدم، در حالی که ایشان در خواب بودند. مدتی گذشت تا این که پیامبر صلی الله علیه و آله بیدار شدند و در حالی که می فرمودند: ﴿إِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَالَّذِينَ آمَنُوا الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَهُمْ رَاكِعُونَ﴾، از خواب برخاستند و فرمودند: «سپاس خدای را که نعمت خود را بر علی تمام کرد و به فضل خود او را برای این مقام آماده ساخت» (همو، ۱۴۱۵ق، ج ۶، ص ۲۹۴).

۲ - ۱ - ۶. جابر بن عبدالله انصاری

واحدی در اسباب النزول، حسکانی در شواهد التنزیل و سیوطی در لباب النقول روایت خاتم بخشی را به نقل از جابر گزارش کرده اند (واحدی، ۱۴۱۱ق، ص ۲۰۱؛ حسکانی، ۱۴۱۱ق، ج ۱، ص ۲۲۵؛ سیوطی، بی تا، ص ۲۰۲).

۲ - ۱ - ۷. مقداد بن اسود

مقداد نیز این ماجرای معروف را نقل کرده است (حسکانی، ۱۴۱۱ق، ج ۱، ص ۲۲۸).

۲ - ۱ - ۸. عبدالله بن سلام

طبری در کتاب الرياض النضرة این ماجرا را به نقل از عبدالله بن سلام گزارش کرده است (طبری، ۱۴۲۴ق، ج ۳، ص ۱۷۹).

۲ - ۱ - ۹. انس بن مالک

انس بن مالک - که خدمتکار رسول خدا ﷺ بوده است - نیز این ماجرا را نقل کرده است (حسکانی، ۱۴۱۱ق، ج ۱، ص ۲۲۵).

در طبقه تابعان نیز افراد زیادی این ماجرا را نقل کرده اند، از جمله:

مجاهد بن جبر، سدی، عتبه بن ابی حکیم، سلمه بن کهیل و... (سیوطی، ۱۴۰۴ق، ج ۲، ص ۲۹۳).

همان طور که بیان شد، روایات خاتم بخشی امام علی (ع) در رکوع، علاوه بر منابع شیعی، در بسیاری از منابع اهل سنت نیز آمده است. این روایات از نه نفر از صحابه و افراد متعددی از تابعان، به طرق مختلف نقل شده است. شایان ذکر است که برخی از دانشمندان اهل سنت درباره نزول این آیه در خصوص امام علی (ع) ادعای اجماع نموده اند (جرجانی، ۱۳۲۵ق، ج ۸، ص ۳۶۰).

۲ - ۳. آیه اکمال

﴿الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَأَتِمَمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي وَرَضِيتُ لَكُمُ الْإِسْلَامَ دِينًا﴾ (مائده: ۳).

روایات درباره موضوع و زمان نزول این آیه، گوناگون و متشتت است. در منابع شیعی نزول آیه اکمال درباره اعلان ولایت امام علی (ع) قطعی دانسته شده است (شریف مرتضی، ۱۴۱۰ق، ج ۴، ص ۱۳۰؛ حلی، ۱۳۷۹ش، ص ۱۱۸). در منابع اهل سنت برخی روایات همسو با روایات شیعی یافت می گردد که از چند نفر از صحابه نقل شده اند که عبارت اند از:

۲ - ۳ - ۱. ابوسعید خدری

سیوطی از کتاب ابن مردویه و ابن عساکر از ابوسعید خدری نقل کرده اند:





لَمَّا نَصَبَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ عَلِيًّا يَوْمَ غَدِيرِخِمٍّ، فَنَادَى لَهُ بِالْوَلَايَةِ، هَبَطَ جَبْرِيلُ عَلَيْهِ هَذِهِ الْآيَةُ ﴿الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ﴾ (سيوطي، ۱۴۰۴ق، ج ۲، ص ۲۵۹. نیز ر.ک: خطیب بغدادی، ۱۴۱۷ق، ج ۸، ص ۲۹۰؛ ابن عساکر، ۱۴۱۵ق، ج ۲، ص ۷۵).

۲ - ۳ - ۲. ابوهريه

خطیب بغدادی و ابن عساکر و دیگران، به نقل از ابوهريه گزارش کرده‌اند که ابوهريه می‌گوید:
لَمَّا كَانَ يَوْمُ غَدِيرِخِمٍّ، وَهُوَ يَوْمُ ثَمَانِي عَشْرٍ مِنْ ذِي الْحِجَّةِ، قَالَ النَّبِيُّ ﷺ: مَنْ كُنْتُ مَوْلَاهُ فَعَلَى مَوْلَاهُ، فَأَنْزَلَ اللَّهُ ﴿الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ﴾ (خطیب بغدادی، ۱۴۱۷ق، ج ۸، ص ۲۹۰؛ ابن عساکر، ۱۴۱۵ق، ج ۲، ص ۷۵).

۲ - ۳ - ۳. ابن عباس

حسکانی در شواهد التنزیل این روایت را از ابن عباس نقل نموده است (حسکانی، ۱۴۱۱ق، ج ۱، ص ۲۴۶).
در منابع شیعی افراد دیگری از صحابه، همچون امام علی علیه السلام (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۸، ص ۲۷)، جابر بن عبدالله انصاری (ابن شهر آشوب، ۱۳۷۹ق، ج ۳، ص ۳۱) و زید بن ارقم (ابن طاووس، ۴۱۳ق، ص ۵۸۴) نیز راوی این ماجرا هستند.

۲ - ۴. آیه تطهیر

﴿ثُمَّ يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيرًا﴾ (احزاب: ۳۳).

این آیه - که اثبات کننده عصمت اهل بیت علیهم السلام و در واقع پایه امامت آنان است - جایگاه ویژه‌ای در میان فریقین دارد. روایات مربوط به آیه تطهیر - که مصداق اهل بیت را پنج تن آل عبا می‌دانند - از افرادی زیادی از طبقه صحابه نقل شده است. برخی از راویان از طبقه صحابه عبارت‌اند از:

امام علی علیه السلام، حضرت فاطمه علیها السلام، امام حسن بن علی علیه السلام، انس بن مالک، براء بن عازب انصاری، جابر بن عبدالله انصاری، سعد بن ابی وقاص، سعد بن مالک، عبدالله بن عباس، عبدالله بن جعفر طیار، عایشه، ام سلمه، عمر بن ابی سلمه، واثله بن اسقع، ابی الحمراء و بان، ابوسعید خدری و سعد بن ابی وقاص (حسکانی، ۱۴۱۱ق، ج ۲، ص ۱۸).
حسکانی در شواهد التنزیل، بیش از صد و سی حدیث در این زمینه نقل کرده است



(حسکانی، ۱۴۱۱ق، ج ۲، ص ۳۳). در مضمون بسیاری از این احادیث آمده است که پیامبر ﷺ علی، فاطمه، حسن و حسین را زیر کسا (پوششی) قرار داد و آیه تطهیر نازل شد. البته در برخی از این احادیث آمده است که رسول خدا ﷺ پس از نزول آیه آنان را جمع کرد و بر آنان کسایی قرار داد و فرمود:

اللهم هؤلاء اهل بیتی.

علامه طباطبایی در این باره می نویسد:

این روایات بسیار و بیش از هفتاد حدیث است. بیشتر آن‌ها از طریق اهل سنت نقل شده که این خود بیشتر از چیزی است که از طریق شیعه روایت شده است. اهل سنت آن را تقریباً از چهل طریق و شیعه آن را از بیش از سی طریق نقل کرده است (طباطبایی، ۱۳۹۰ق، ج ۱۶، ص ۳۱۱).

سید هاشم بحرانی (م ۱۰۷۱ق) در کتاب غایة المرام و حجة الخصام در خصوص اختصاص آیه تطهیر به پنج تن آل عبا ﷺ حدود هشتاد حدیث نقل می کند که ۴۱ حدیث آن از طریق اهل سنت و ۳۴ حدیث آن از طریق مذهب شیعه است (بحرانی، ۱۴۲۲ق، ج ۳، ص ۱۷۳). همچنین احمد بن مردویه (م ۴۱۰ق) می گوید:

به بیش از صد طریق روایت رسیده است که آیه [تطهیر] درباره محمد، علی، فاطمه، حسن، حسین ﷺ [نازل شده] است (ابن مردویه، ۱۳۸۲ش، ص ۳۰۱، ش ۴۷۵).

۲ - ۵. آیه اولوالامر

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَأُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ﴾ (نساء: ۵۹)

آیه مذکور جزو آیاتی است که از حق اطاعت از اهل بیت ﷺ سخن می گوید. براساس روایات معتبر و نیز براساس تحلیل درون متنی از این آیه، مصداق اولوالامر منحصر در امام معصوم ﷺ است (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۱، ص ۲۷۶). در منابع اهل سنت نیز روایاتی از طبقه صحابه همسوبا روایات شیعی یافت می شود که عبارت اند از:

۲ - ۵ - ۱. حضرت علی ﷺ

حاکم حسکانی در کتاب شواهد التنزیل با سند خود از امام علی ﷺ، از رسول خدا ﷺ نقل کرده است که فرمود:

شریکان من کسانی هستند که خداوند، اطاعت آن‌ها را با اطاعت خویش و من مقرون کرد و درباره آن‌ها نازل کرد: ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَأُولِيَ الْأَمْرِ مِنْكُمْ﴾. من گفتم: ای پیامبر خدا، آنان چه کسانی اند؟ فرمود: نخستین آن‌ها تو هستی (حسکانی، ۱۴۱۱ق، ج ۱، ص ۱۹۱).

حموینی نیز در کتاب فرائد السمطين، با سند خود از امام علی (ع) نقل کرده است که ایشان خطاب به برخی از صحابه فرمودند:

«... شما را به خدا سوگند می‌دهم، آیا می‌دانید هنگامی که آیه ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَأُولِيَ الْأَمْرِ مِنْكُمْ﴾ نازل شد، مردم گفتند: ای رسول خدا، آیا اولوالامر، افرادی خاص هستند یا همه مؤمنان را شامل می‌شود؟ پس خداوند به پیامبرش دستور داد همان گونه که نماز و زکات را تفسیر کرده است، ولایت را نیز تفسیر کند. پس رسول خدا مرا در غدیر خم برای مردم منصوب کرد؟» گفتند: آری (حموینی، ۱۴۰۰ق، ج ۱، ص ۳۱۳).

۲ - ۵ - ۲. جابر بن عبدالله انصاری

۲ - ۵ - ۳. امام حسن (ع)

در منابع شیعی این روایت از جابر بن عبدالله انصاری و امام حسن (ع) نیز نقل شده است (صدوق، ۱۳۹۵ق، ج ۱، ص ۲۵۳؛ طوسی، ۱۴۱۴ق، ص ۱۲۱).
بر اساس تحلیل درون متنی روشن است که امر به اطاعت مطلق و بدون قید و شرط از اولوالامر بر عصمت آنان دلالت دارد؛ چنان که مفسران شیعه و حتی برخی مفسران بزرگ اهل سنت، همچون فخر رازی تذکر داده‌اند (فخر رازی، ۱۴۲۰ق، ج ۱۰، ص ۱۴۳).

۲ - ۶. آیه مباهله

﴿فَمَنْ حَاكَمَكَ فِيهِ مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَكَ مِنَ الْعِلْمِ فَقُلْ تَعَالَوْا نَدْعُ أَبْنَاءَنَا وَأَبْنَاءَكُمْ وَنِسَاءَنَا وَنِسَاءَكُمْ وَأَنْفُسَنَا وَأَنْفُسَكُمْ ثُمَّ نَبْتَهِلْ فَنَجْعَلْ لَعْنَتَ اللَّهِ عَلَى الْكَاذِبِينَ﴾ (آل عمران: ۶۱).

در روایات متعددی از شیعه و سنی شأن نزول این آیه شریف مربوط به مباهله پیامبر (ص) با مسیحیان نجران است:

پیامبر اکرم (ص) در حالی که امام حسین (ع) را در آغوش داشت و دست امام حسن (ع) را گرفته بود و حضرت فاطمه و امام علی (ع) در پشت سر پیامبر حرکت می‌کردند، به آن‌ها



گفت: وقتی من دعا کردم، شما آمین بگوئید. وقتی بزرگ مسیحیان چنین دید [که پیامبر با اهل بیت خود آمده]، خطاب به همراهانش گفت: ای گروه نصارا، همانا صورت‌هایی را می‌بینم که اگر از خدا بخواهند کوه را از جای برگند، می‌کنند. مباحله نکنید که نابود می‌شوید. آنگاه آنان تسلیم پیامبر شدند و به پرداخت جزیه گردن نهادند (زمخشری ۱۴۰۷ق، ج ۱، ص ۳۶۸ - ۳۶۹).

برخی از راویان این ماجرا از طبقه صحابه عبارت‌اند از:

۲ - ۶ - ۱. ابن عباس

این ماجرا از ابن عباس، از طریق ابوصالح، عطا و ضحاک نقل گردیده است (سیوطی، ۱۴۰۴ق، ج ۲، ص ۳۹).

۲ - ۶ - ۲. جابر بن عبدالله انصاری

سیوطی به نقل از کتب المستدرک حاکم، ابن مردویه و ابونعیم این ماجرا را از جابر گزارش نموده است (همو، ج ۲، ص ۳۹).

۲ - ۶ - ۳. سعد بن ابی وقاص

در منابع فریقین ذکر شده که عامر بن سعد از پدرش سعد بن ابی وقاص نقل می‌کند:

لَمَّا نَزَلَتْ هَذِهِ الْآيَةُ: ﴿نَدْعُ أَبْنَاءَنَا وَأَبْنَاءَكُمْ وَنِسَاءَنَا وَنِسَاءَكُمْ وَأَنْفُسَكُمْ وَأَنْفُسَكُمْ﴾ دَعَا رَسُولُ اللَّهِ ﷺ عَلِيًّا وَفَاطِمَةَ وَحَسَنًا وَحُسَيْنًا وَقَالَ: اللَّهُمَّ هَؤُلَاءِ أَهْلُ بَيْتِي (همو، ج ۲، ص ۳۹. نیز ر. ک: بحرانی، ۱۴۱۵ق، ج ۱، ص ۶۳۰).

در منابع شیعی این روایت از امام علی علیه السلام، امام حسن علیه السلام و نیز ابوذر غفاری نیز نقل شده است (بحرانی، ۱۴۱۵ق، ج ۱، ص ۶۳۰).

جمع‌بندی

همان‌طور که در بررسی روایات سبب نزول آیات مربوط به فضایل و ولایت اهل بیت علیهم السلام ملاحظه شد، این روایات با اسناد و طرق متعدد، از صحابه پیامبر ﷺ و تابعان آن‌ها نقل شده و در کتاب‌های مختلف شیعه و اهل سنت گزارش شده‌اند که بسیاری از این روایات در سلسله صدور و سند خود به شخص نبی اکرم ﷺ می‌رسند. این احادیث و اسباب نزول، در کنار دیگر آیات قرآن و روایات مشهور صادر شده از

پیامبر ﷺ، مانند حدیث ثقلین، سفینه و ... - که در این نوشته بدان‌ها پرداخته نشد - نشان دهنده جایگاه والای اهل بیت عصمت و طهارت در قرآن و سنت نبوی و مؤید حقانیت آن‌ها برای خلافت و وصایت رسول خدا ﷺ است و فرد دیگری در این جایگاه، هم‌تا و شریک آن‌ها نیست.

۳. بررسی مستندات اهل سنت

همان‌طور که در مقدمه گفته شد، اهل سنت برای اثبات خلافت و افضلیت ابوبکر و دیگر خلفا به برخی از آیات قرآن استناد کرده‌اند. از این رو، به تعدادی از روایات، تمسک کرده و آن‌ها را شاهد مدّعی خود معرفی نموده‌اند. لازم به ذکر است که این روایات و تطبیق با خلفا فقط در منابع اهل سنت وجود دارند.^۱

۳ - ۱. آیه اولوا الفضل

یکی از آیاتی که برای اثبات خلافت ابوبکر مورد استناد بعضی از مفسران اهل سنت قرار گرفته، آیه ۲۲ از سوره مبارکه نور است. در این آیه شریف، خداوند متعال می‌فرماید:

﴿وَلَا يَأْتِلُ أُولُوا الْفَضْلِ مِنْكُمْ وَالسَّعَةِ أَنْ يُؤْتُوا أُولَى الْقُرْبَىٰ وَالْمَسَاكِينَ وَالْمُهَاجِرِينَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ، وَلِيَعْفُوا وَلِيَصْفَحُوا أَلَا تُحِبُّونَ أَنْ يَغْفِرَ اللَّهُ لَكُمْ، وَاللَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ﴾؛

و از میان شما کسانی که دارندگان ثروت و گشایش مالی هستند، نباید سوگند یاد کنند که از اتفاق مال به خویشاوندان و تهی‌دستان و مهاجران در راه خدا دریغ ورزند، و باید [بدی آنان را که برای شما مؤمنان توانگر سبب خودداری از اتفاق شده] عفو کنند و از مجازات درگذرند؛ آیا دوست نمی‌دارید خدا شما را بیمارزد؟ [اگر دوست دارید، پس شما هم دیگران را مورد عفو و گذشت قرار دهید]؛ و خدا بسیار آمرزنده و مهربان است.

این آیه در ادامه آیات افک نازل شده است. بعضی از مفسران و علمای اهل سنت با دلایلی سعی کرده‌اند تا افضلیت و صحت خلافت ابوبکر را از این آیه مبارکه اثبات کنند. فخر رازی - که بیش از دیگران در این باره بحث کرده است - ابوبکر را مورد مغفرت مطلق خداوند می‌داند و از این نظر، او را ثانی‌اثنین رسول خدا معرفی می‌کند و این مغفرت مطلق را

۱. با توجه به این‌که این مقاله عهده‌دار نقد محتوایی یا نقد سندی (رجالی) همه مستندات اهل سنت ذیل این آیات نیست، برای مشاهده نقدها به کتاب «ارزیابی ادله قرآنی خلافت خلفا» اثر حامد دژآباد رجوع کنید.



دلیلی بر صحت خلافت او قلمداد می‌کند (فخر رازی، ۱۴۲۰ق، ج ۲۳، ص ۳۵۱). وی علاوه بر این، از بعضی بخش‌های این آیه شریف افضلیت ابوبکر بر دیگران، غیر از پیامبر (ص) را نیز نتیجه گرفته است (همو، ص ۳۴۹).

تنها روایتی که از طبقه صحابه در منابع اهل سنت نقل شده است و آیه را در خصوص عمل ابوبکر می‌داند، روایتی منقول از عایشه است که «اولوا الفضل» را بر پدرش ابوبکر تطبیق داده است (ابن ابی حاتم، ۱۴۱۹ق، ج ۸، ص ۲۵۵۴).

لازم به ذکر است که در منابع اهل سنت روایتی منقول از ابن عباس نیز وجود دارد که بر خلاف روایت قبلی، ماجرا را مختص ابوبکر نمی‌داند. وی می‌گوید:

كَانَ نَاسٌ مِنْ أَصْحَابِ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ قَدْ رَمَوْا عَائِشَةَ بِالْقَبِيحِ وَأَفْشَوْا ذَلِكَ وَتَكَلَّمُوا بِهِ، فَأَقْسَمَ نَاسٌ مِنْ أَصْحَابِ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ فِيهِمْ أَبُو بَكْرٍ أَلَّا يَتَصَدَّقَ عَلَى رَجُلٍ تَكَلَّمَ بِشَيْءٍ مِنْ هَذَا وَلَا يَصِلَهُ، فَقَالَ: لَا يَقْسِمُ أَوْلُوا الْفَضْلَ مِنْكُمْ، وَالسَّعَةِ أَنْ يَصِلُوا أَرْحَامَهُمْ، وَأَنْ يُعْطَوْهُمْ مِنْ أَمْوَالِهِمْ كَالَّذِي كَانُوا يَفْعَلُونَ قَبْلَ ذَلِكَ، فَأَمَرَ اللَّهُ أَنْ يَغْفِرَ لَهُمْ وَأَنْ يَعْفِيَ عَنْهُمْ (طبری، ۱۴۱۲ق، ج ۱۸، ص ۸۲؛ سیوطی، ۱۴۰۴ق، ج ۵، ص ۳۵)

بسیاری از مفسران اهل سنت، این سبب نزول را نیز در کنار روایتی که تنها از ابوبکر سخن به میان آورده است، نقل کرده‌اند و بدون هیچ نقد و اشکال و یا توضیح و ترجیحی از کنار آن عبور کرده‌اند (رک: طبری، ۱۴۱۲ق، ج ۱۸، ص ۸۲؛ نعلبی، ۱۴۲۲ق، ج ۷، ص ۸۱؛ بغوی، ۱۴۲۰ق، ج ۳، ص ۳۹۶). در این میان، تنها ابن عطیه و قرطبی، پس از ذکر هر دو سبب نزول، سبب نزولی را که تنها از ابوبکر سخن می‌گوید، صحیح‌تر می‌دانند؛ اما تصریح می‌کنند که آیه شریف، به ابوبکر و مسطح اختصاص ندارد و همه امت را در بر می‌گیرد (ابن عطیه، ۱۴۲۲ق، ج ۴، ص ۱۷۳؛ قرطبی، ۱۳۶۴ش، ج ۱۳، ص ۲۰۷).

این دو، با وجود آن‌که سبب نزول دوم را مردود و باطل نمی‌دانند، اما در عین حال، هیچ دلیلی نیز بر مرجح بودن سبب نزول اول نسبت به آن ذکر نکرده‌اند؛ در حالی که سبب نزول دوم - که از ابن عباس و ضحاک نقل شده است - با ظاهر آیه شریف - که تعابیر و ضمائر جمع در آن به کار رفته است - کاملاً هماهنگ و منطبق است و بدین جهت، قابلیت پذیرش بیشتری دارد؛ هر چند، حتی پذیرش نظر ابن عطیه و قرطبی هم - که با وجود ترجیح سبب اول نسبت به دوم، قائل به عمومیت معنای آیه و عدم انحصار آن هستند -

اختصاص آیه به ابوبکر را رد می‌کند. از جهت تطبیق تعابیر موجود در آیه بر ابوبکر نیز نقدهای متعددی به ادعای فخر رازی وارد است که در جای خود بحث شده است (ر.ک: حامد دژآباد، ۱۳۹۳ش).

۳ - ۲. آیه مخلفین

﴿قُلْ لِلْمُخَلَّفِينَ مِنَ الْأَعْرَابِ سُدُّعُونَ إِلَى قَوْمٍ أُولَىٰ بَأْسٍ شَدِيدٍ تُقَاتِلُونَهُمْ أَوْ يُسْلِمُونَ فَإِنْ تُطِيعُوا يُؤْتِكُمُ اللَّهُ أَجْرًا حَسَنًا وَإِنْ تَتَوَلَّوْا كَمَا تَوَلَّيْتُمْ مِنْ قَبْلُ يُعَذِّبْكُمْ عَذَابًا أَلِيمًا﴾؛ (فتح: ۱۶)

به متخلفان بادیه نشین بگو: به زودی به سوی گروهی سرسخت و نیرومند دعوت خواهید شد که با آنان بجنگید، یا آن‌که اسلام آورند؛ پس اگر اطاعت کنید خدا پاداش نیکی به شما خواهد داد، و اگر روی برگردانید، همان گونه که پیش از این روی گردانیدید، شما را به عذابی دردناک عذاب خواهد کرد.

یکی دیگر از آیاتی که برای اثبات خلافت ابوبکر و حتی عمرو عثمان مورد استناد اهل سنت قرار گرفته، آیه ۱۶ از سوره مبارک فتح است. بعضی از مفسران و متکلمان اهل سنت با ذکر استدلال‌هایی ذیل این آیه و با استفاده از آن، در صدد اثبات خلافت ابوبکر برآمده‌اند و این آیه شریف را یکی از مستندات مدّعی خود قلمداد کرده‌اند. آنان بر مبنای اقوال بعضی از صحابه و تابعین، تلاش کرده‌اند که با تکلف، تفسیری از آیه ارائه دهند که بر اساس آن بتوانند صحت خلافت ابوبکر و حتی عمرو عثمان را اثبات کنند؛ به عنوان نمونه، فخر رازی در کتاب الاربعین فی اصول الدین، در بحث «بعض ما نتمسک به فی اثبات إمامة أبي بكر» می‌نویسد:

«الحجة الثانية: التمسک بقوله تعالى: ﴿قُلْ لِلْمُخَلَّفِينَ مِنَ الْأَعْرَابِ سُدُّعُونَ إِلَى قَوْمٍ أُولَىٰ بَأْسٍ شَدِيدٍ...﴾ تكون الآية دالة على صحة خلافة أحد هؤلاء الثلاثة ومتى صحت خلافة أحدهم، صحت خلافة الكل ضرورة، أنه لا قائل بالفرق (فخر رازی، ۱۹۸۶م، ج ۲، ص ۲۸۷).

زمخشری نیز در الکشاف، ذیل این آیه شریف می‌نویسد:

هذا دليل على إمامة أبي بكر... (زمخشری، ۱۴۰۷ق، ج ۴، ص ۳۳۸).

ظاهراً اولین کسی که موضوع خلافت ابوبکر را ذیل این آیه مطرح کرد، مقاتل بن سلیمان (م ۱۵۰ق) است که از طبقه تابعان به شمار می‌آید. او در تفسیر خود نوشته است:

خلافة أبي بكر في هذه الآية مؤكدة (مقاتل، ۱۴۲۳ق، ج ۴، ص ۷۳).

پس از او، در دوره‌های بعد، این موضوع به شکلی وسیع‌تر و جدی‌تر وارد تفاسیر و آثار اهل



سنت شد و با تقریر و تبیین های مشابهی در سخن مفسران و متکلمان اهل سنت مطرح گردید. اما از دیدگاه شیعه، این آیه به هیچ وجه، بر امامت و خلافت ابوبکر دلالت ندارد؛ زیرا اساساً ارتباطی با موضوع خلافت ندارد و بالطبع، نمی تواند مؤید یا نافی خلافت کسی باشد. تنها روایتی که از طبقه صحابه نقل شده و این آیه را مرتبط با ابوبکر می داند، روایت رافع بن خدیج است که می گوید:

والله لقد كُنَّا نَقْرَأُ هَذِهِ الْآيَةَ فِيمَا مَضَى ﴿سَتُدْعُونَ إِلَى قَوْمٍ أُولَى بَأْسٍ شَدِيدٍ﴾، فَلَا نَعْلَمُ مَنْ هُمْ، حَتَّى دَعَا أَبُو بَكْرٍ إِلَى قِتَالِ بَنِي حَنِيفَةَ، فَعَلِمْنَا أَنَّهُمْ هُمْ (تعلی، ۱۴۲۲ق، ج ۹، ص ۴۶).

ذیل این آیه شریف روایات دیگری از صحابه و تابعان نقل شده است که در تقابل با روایت فوق است و در هیچ کدام سخنی از ابوبکر نیامده است؛ مثلاً از ابوهریره نقل شده که مصداق «قوم اُولی بَأْسٍ شَدِيدٍ» را اُکراد می داند (سیوطی، ۱۴۰۴ق، ج ۶، ص ۷۳). باز از ابوهریره نقل می کنند که می گوید:

لَمْ يَأْتِ أَوْلَئِكَ بَعْدُ (همو).

از ابن عباس هم دو روایت متعارض نقل شده است که در یک روایت «هوازن و بنی حنیفه» و در روایت دیگر «فارس و روم» را مصداق تعبیر فوق معرفی کرده است (همو). از تابعان نیز، زهری از بنوحنیفه نام برده است (همو). قول زهری را به «ابن السائب، کلبی و مقاتل» نیز نسبت داده اند (ابن جوزی، ۱۴۲۲ق، ج ۴، ص ۱۳۲).

مجاهد نیز «اعراب فارس و اُکراد العجم» را نام برده است (سیوطی، ۱۴۰۴ق، ج ۶، ص ۷۳). طبری نیز به نقل از عکرمه و سعید بن جبیر، مصداق «قوم» را هوازن و ثقیف ذکر می کند (طبری، ۱۴۱۲ق، ج ۲۶، ص ۵۲).

همان طور که به وضوح نمایان است، اقوال مختلفی درباره تعیین مصداق «قوم» به نقل از صحابه و تابعان در تفاسیر اهل سنت وجود دارد (هفت مصداق متفاوت) و به تبع این اختلاف در مصداق «قوم»، در تعیین مصداق «داعی» نیز اختلاف پیش می آید. نکته قابل ذکر دیگر، این است که علاوه بر تعدد اقوال - که به تنهایی، پراکندگی و ضعف دیدگاه اهل سنت در اثبات خلافت ابوبکر را نشان می دهد - از یک صحابی یا تابعی نیز اقوال متعارضی نقل شده است. این تعدد و تعارض اقوال، به وضوح نشان می دهد که ادله اهل سنت در اثبات خلافت ابوبکر بر مبنایی سست بنا نهاده شده است و برای اثبات این مدعا، تکلف

بسیار به کار رفته است.

قابل ذکر است که ادعای اثبات یا تأیید خلافت ابوبکر از این آیه شریف، تا قبل از مقاتل بن سلیمان (م ۱۵۰ق) از سوی هیچ کس مطرح نبوده است و حتی ابوبکر، عمرو هیچ کدام از صحابه و تابعان برای اثبات خلافت به این آیه شریف استناد نکرده‌اند.

۳ - ۳. آیه ارتداد

یکی دیگر از آیاتی که برای اثبات خلافت ابوبکر مورد استناد اهل سنت قرار گرفته آیه ۵۴ از سوره مائده است. در این آیه شریف، خداوند متعال خطاب به اهل ایمان می‌فرماید:

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا مَنْ يَرْتَدَّ مِنْكُمْ عَنْ دِينِهِ فَسَوْفَ يَأْتِي اللَّهَ بِقَوْمٍ يُحِبُّهُمْ وَيُحِبُّونَهُ أَذِلَّةٌ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ أَعِزَّةٌ عَلَى الْكَافِرِينَ يُجَاهِدُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَلَا يَخَافُونَ لَوْمَةَ لَائِمٍ ذَلِكَ فَضْلُ اللَّهِ يُؤْتِيهِ مَنْ يَشَاءُ وَاللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ﴾

ای کسانی که ایمان آورده‌اید، هر کس از شما از آیین خود بازگردد، خداوند جمعیتی را می‌آورد که آن‌ها را دوست دارد و آنان [نیز] او را دوست دارند؛ در برابر مؤمنان متواضع و در برابر کافران سرسخت و نیرومندند. آن‌ها در راه خدا جهاد می‌کنند و از سرزنش هیچ ملامت‌گری هراسی ندارند. این، فضل خداست که به هر کس بخواهد [و شایسته ببیند] می‌دهد و [فضل] خدا وسیع و خداوند داناست.

بعضی از علمای اهل سنت، از جمله فخر رازی و ابن حجر مکی، سعی کرده‌اند با دلایلی، صحت خلافت ابوبکر را از این آیه شریف اثبات کنند. در این باره، فخر رازی در تفسیر خود می‌نویسد:

أَنَا نَدْعِي دَلَالََةَ هَذِهِ الْآيَةِ عَلَى صِحَّةِ إِمَامَةِ أَبِي بَكْرٍ.

او همچنین این آیه را قوی‌ترین دلیل بر خلافت ابوبکر می‌داند.

ابن حجر نیز در کتاب الصواعق المُرَقَّة نوشته است:

أَمَّا النُّصُوصُ الْقُرْآنِيَّةُ: فَمِنْهَا قَوْلُهُ تَعَالَى ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا مَنْ يَرْتَدَّ مِنْكُمْ عَنْ دِينِهِ...﴾

(فخر رازی، ۱۴۲۰ق، ج ۱۲، ص ۳۷۹؛ ابن حجر هبتمی، ۱۹۹۷م، ج ۱، ص ۴۵).

بعضی از مفسران اهل سنت، همچون قرطبی، پا را از این هم فراتر نهاده و علاوه بر این ادعا، مدعی دلالت این آیه بر صحت و تثبیت امامت و خلافت عمر، عثمان و حتی حضرت علی (ع) نیز شده‌اند (قرطبی، ۱۳۶۴ش، ج ۶، ص ۲۲۰).

۲ - ۲. آیه تبلیغ

﴿يَا أَيُّهَا الرُّسُولُ بَلِّغْ مَا أُنْزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ وَإِنْ لَمْ تَفْعَلْ فَمَا بَلَّغْتَ رِسَالَتَهُ وَاللَّهُ يَعْصِمُكَ مِنَ النَّاسِ إِنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الْكَافِرِينَ﴾ (مائده: ۶۷).

این آیه - که به آیه عصمت نیز معروف است - درباره ابلاغ رسمی و عمومی ولایت امام علی (علیه السلام) نازل شده است. روایات بسیاری از طبقه صحابه در منابع شیعه و اهل سنت یافت می شود که عبارت اند از:

۲ - ۲ - ۱. ابن عباس

در منابع متعددی از اهل سنت، به نقل از ابن عباس درباره نزول این آیه در خصوص امام علی (علیه السلام) و ماجرای غدیر خم سخن گفته شده است (حسکانی، ۱۴۱۱ق، ص ۲۵۵؛ آلوسی، ۱۴۱۵ق، ج ۴، ص ۲۸۲).

قابل ذکر است که این حدیث با اسانید گوناگونی از ابن عباس نقل شده است که ابن طاووس به آن ها اشاره نموده است (ابن طاووس، ۱۴۱۳ق، ص ۱۴۲).

۲ - ۲ - ۲. ابوسعید خدری

ابوسعید خدری نیز به صراحت، نزول این آیه را درباره امام علی (علیه السلام) در روز عید غدیر خم می داند (ابن ابی حاتم، ۱۴۱۹ق، ج ۴، ص ۱۱۷۲).

۲ - ۲ - ۳. ابن مسعود

راوی دیگر این روایت ابن مسعود است که می گوید:

كُنَّا نَقْرَأُ عَلَى عَهْدِ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ: «يَا أَيُّهَا الرُّسُولُ بَلِّغْ مَا أُنْزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ، أَنْ عَلِيًّا مَوْلَى الْمُؤْمِنِينَ، وَإِنْ لَمْ تَفْعَلْ فَمَا بَلَّغْتَ رِسَالَتَهُ وَاللَّهُ يَعْصِمُكَ مِنَ النَّاسِ» (سبوطی، ۱۴۰۴ق، ج ۲، ص ۲۹۸).

۲ - ۲ - ۴. زید بن ارقم

ابن طاووس به نقل از کتاب نور الهدی این روایت را از زید بن ارقم گزارش نموده است (ابن طاووس، ۱۴۱۳ق، ص ۵۷۸).

۲ - ۲ - ۵. ابوهریره

ابوهریره به عنوان یکی از شخصیت های مقبول نزد اهل سنت، یکی از راویان از طبقه صحابه است که این روایت را نقل نموده است (حسکانی، ۱۴۱۱ق، ج ۱، ص ۲۵۵).





۲ - ۲ - ۶. جابر بن عبدالله انصاری

۲ - ۲ - ۷. عبدالله بن ابی اوفی اسلمی

۲ - ۲ - ۸. براء بن عازب

راویان فوق نیز در منابع اهل سنت، راوی این روایت هستند (همو؛ نیز ر.ک: فخر رازی، ۱۴۲۰ق، ج ۱۲، ص ۵۰).

بر اساس منابع اهل سنت، در طبقه تابعان نیز امام باقر (ع) و امام صادق (ع)، عطیه عوفی، زید بن علی و... راوی این ماجرا هستند (حسکانی، ۱۴۱۱ق، ج ۱، ص ۲۵۴؛ ثعلبی، ۱۴۲۲ق، ج ۴، ص ۹۲).

بنا بر آنچه ذکر شد، این روایت از چند تن از صحابه معروف پیامبر (ص) و تابعان متعددی نقل شده است و این روایات همسوبا روایات متعددی است که در منابع متقدم و معتبر شیعی یافت می شود (ر.ک: کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۱، ص ۲۸۹؛ صدوق، ۱۳۷۶ش، ص ۴۰۰؛ طبرسی، ۱۳۸۶ش، ج ۱، ص ۶۶ - ۸۶).

۳ - ۳ - ۱. استناد به روایات و اقوال تابعان

اهل سنت بر مبنای نظریات و قول بعضی از تابعان، مصداق «قوم» در این آیه را ابوبکر و اصحاب او می دانند که بعد از رحلت پیامبر اکرم (ص) با اهل ردّه به جهاد و مبارزه پرداختند. در تفاسیر نقلی اهل سنت، این نظریه چند تن از تابعان نسبت داده شده است که روایات آن ها عبارت اند از:

۳ - ۳ - ۱ - ۱. قتاده

قال قتاده: فكتنا نحدث ان هذه الآية نزلت في أبي بكر وأصحابه: ﴿فَسَوْفَ يَأْتِي اللَّهُ بِقَوْمٍ يُحِبُّهُمْ وَيُحِبُّونَهُ﴾ إلى آخر الآية (ابن ابی حاتم، ۱۴۱۹ق، ج ۴، ص ۱۱۶۰).

۳ - ۳ - ۱ - ۲. حسن بصری، ابن جریج و ضحاک

﴿فَسَوْفَ يَأْتِي اللَّهُ بِقَوْمٍ يُحِبُّهُمْ وَيُحِبُّونَهُ﴾؛ الَّذِينَ قَاتَلُوا أَهْلَ الرِّدَّةِ مِنَ الْعَرَبِ بَعْدَ رَسُولِ اللَّهِ (ص)، ابوبکر و أصحابه (همو).

با این وجود، این نظر، تنها نظر در میان اهل سنت در این باره نیست و در تفاسیر اهل سنت، نظرات و اقوال دیگری نیز درباره مصداق این آیه وجود دارد؛ مثلاً ابن جوزی در این



مورد به شش قول اشاره کرده است (ابن جوزی، ۱۴۲۲ق، ج ۱، ص ۵۵۹). این در حالی است که برخی از راویان این روایات، مانند حسن بصری، قتاده و ابن جریج، همگی متهم به تدلیس اند (ذهبی، بی تا، ج ۱، ص ۴۶۰).

با توجه به مجموع این مطالب، چند نکته روشن می شود:

۱. هیچ کدام از روایات مورد استناد اهل سنت در ذیل این آیه از صحابه نقل نشده است و همه آن ها مروی از تابعان است.

۲. روایات مستند به حسن بصری، قتاده، ضحاک و ابن جریج، همگی مقطوع و ضعیف هستند. علاوه بر آن، بعضی از رجال آن در منابع اهل سنت جرح و تضعیف شده اند. لذا اقوال آنان نمی تواند حجت و ملاک قرار گیرد.

۳. روایات اهل سنت ذیل این آیه شامل اقوال متفاوت و مختلفی است که با هم تعارض دارند و نمی توان آن ها را با هم جمع کرد. علاوه بر ضعف های سندی، چنین مشکلات دلالی نیز آن ها را در مقام استناد و به کارگیری برای اثبات مطلب مورد نظر، دچار ضعف کرده و از قوت و حجیت ساقط نموده است (ر.ک: دؤآباد، ۱۳۹۳ش).

۳ - ۴. آیه استخلاف

یکی دیگر از آیاتی که برای اثبات خلافت ابوبکر مورد استناد اهل سنت قرار گرفته، آیه ۵۵ سوره نور است. در این آیه، خداوند متعال می فرماید:

﴿وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ كَمَا اسْتَخْلَفَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ وَلَيُمَكِّنَنَّ لَهُمْ دِينَهُمُ الَّذِي ارْتَضَى لَهُمْ وَلَيُبَدِّلَنَّهُمْ مِنْ بَعْدِ خَوْفِهِمْ أَمْنًا يَعْبُدُونَنِي لَا يُشْرِكُونَ بِي شَيْئًا وَمَنْ كَفَرَ بَعْدَ ذَلِكَ فَأُولَٰئِكَ هُمُ الْفَاسِقُونَ﴾

خدا به کسانی از شما که ایمان آورده و کارهای شایسته انجام داده اند، وعده داده است که حتماً آنان را در زمین جانشین [دیگران] کند، همان گونه که پیشینیان آنان را جانشین [دیگران] کرد، و قطعاً دینشان را که برای آنان پسندیده است، به سودشان استوار و محکم نماید و یقیناً ترس و بیمشان را تبدیل به امنیت کند، [تا جایی که] فقط مرا بپرستند [و] هیچ چیزی را شریک من نگیرند و آنان که پس از این نعمتهای ویژه ناسپاسی ورزند [در حقیقت] فاسق اند.

این آیه شریف در نظر متکلمان و مفسران اهل سنت از جایگاه خاصی

در مبحث خلافت برخوردار است و یکی از مستندات اصلی آنان در اثبات خلافت و امامت ابوبکر و دیگر خلفاست. از جمله، زمخشری و ابن کثیر در تفاسیر خود، درباره خلافت خلفای راشدین، به این آیه استناد کرده‌اند. تفتازانی و فخر رازی نیز در کتب کلامی خود، آیه مزبور را یکی از دلایل مدعای خود در این زمینه قرار داده‌اند (زمخشری، ۱۴۰۷ق، ج ۳، ص ۲۵۲؛ ابن کثیر، ۱۴۱۹ق، ج ۶، ص ۷۳؛ تفتازانی، ۱۴۰۹ق، ج ۵، ص ۲۶۵؛ فخر رازی، ۱۹۸۶م، ج ۲، ص ۲۸۶).

در ذیل این آیه شریف، در منابع اهل سنت، برای تطبیق آیه بر خلفا، تنها روایتی که وجود دارد، روایتی است که از جابر بن عبدالله انصاری نقل شده است که می‌گوید:

قال رسول الله ﷺ: «الخلافة بعدى فى أمتى فى أربع: أبى بكر وعمر و عثمان و على» (ثعلبی، ۱۴۲۲ق، ج ۷، ص ۱۱۵).

نکته مهم در این باره این است که اساساً این روایت صرف نظر از ضعف سندى و دلالی، در مقام تفسیر و تبیین این آیه نیست و اهل سنت این روایت را با هدف خاصی (اثبات خلافت ابوبکر) ذیل این آیه درج کرده‌اند. روایات و اقوال دیگری از صحابه (بدون تطبیق یا نام بردن از خلفا) و تابعان ذکر شده است که عبارت‌اند از:

۳ - ۴ - ۱. ابی بن کعب

حدَّثني محمد بن صالح بن هاني، ثنا أبو سعيد محمد بن شاذان، حدَّثني أحمد بن سعيد الدارمي، ثنا علي بن الحسين بن واقد، حدَّثني أبي، عن الربيع بن أنس، عن أبي العالية، عن أبي بن كعب، قال: لما قدَّم رسول الله ﷺ وأصحابه المدينة وأوتهم الأنصار رمتهم العرب عن قوس واحدة، كانوا لا يبيتون إلا بالسلح، ولا يصبحون إلا فيه، فقالوا: «أترون أننا نعيش حتى نبيئ آمنين مطمئنين؟ لا نخاف إلا الله؟ فنزلت: ﴿وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ...﴾ إلى ﴿وَمَنْ كَفَرَ بَعْدَ ذَلِكَ﴾، يعنى بالنعمة ﴿فَأُولَئِكَ هُمُ الْفَاسِقُونَ﴾ (سيوطی، ۱۴۰۴ق، ج ۵، ص ۵۵).

۳ - ۴ - ۲. براء بن عازب

أخرج ابن أبي حاتم وابن مردويه، عن البراء في قوله: ﴿وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ﴾ الآية، قال: فينا نزلت ونحن في خوفٍ شديدٍ (سيوطی، ۱۴۰۴ق، ج ۵، ص ۵۵).

۳ - ۴ - ۳. ضحاک

قال الضحاک فی کتاب النقاش:

هذه الآية تتضمن خلافة أبي بكر وعمر وعثمان وعلى، لأنهم أهل الإيمان وعملوا الصالحات ... واحتجوا بما رواه سفينة مولى رسول الله ﷺ قال: سمعتُ رسول الله ﷺ يقول: «الخلافة بعدى ثلاثون سنة ثم تكون ملكاً» (قرطبي، ۱۳۶۴ ش، ج ۱۳، ص ۲۹۷).

۳ - ۴ - ۴. ابو العالیة

عن أبي العالیة فی قوله تعالى: ﴿وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ كَمَا اسْتَخْلَفَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ﴾ إلى آخر الآية. قال: كان النبي ﷺ وأصحابه بمكة نحواً من عشرين سنة يدعون إلى الله ﷻ وحده وعبادته وحده لا شريك له سرّاً وهم خائفون لا يؤمرون بالقتال حتى أمروا بعد الهجرة إلى المدينة، فقدّموا المدينة فأمرهم الله بالقتال وكانوا بها خائفين يمسون في السلاح ويصبحون في السلاح، فغيروا بذلك ما شاء الله ثم أنّ رجلاً من أصحابه قال: يا رسول الله، أبدأ الدهر نحن خائفون هكذا ما يأتي علينا يوم نأمن فيه ونضع فيه السلاح؟ فقال رسول الله ﷺ: لن تغبروا إلا يسيراً حتى يجلس الرجل منكم في الملأ العظيم محتبياً ليست فيه حديدة، فأُنزل الله ﴿وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ﴾ إلى آخر الآية، فأظهر الله نبيّه على جزيرة العرب فأمنوا ووضعوا السلاح، ثم إنّ الله قبض نبيّه ﷺ فكانوا كذلك آمنين في إمارة أبي بكر وعمر وعثمان حتى وقعوا فيما وقعوا وكفروا بالعمّة فأدخل الله عليهم الخوف الذي كان رفع عنهم واتّخذوا الحجر والشرط وغيروا غير ما بهم» (ابن كثير، ۱۴۱۹ ق، ج ۶، ص ۷۲؛ سيوطي، ۱۴۰۴ ق، ج ۵، ص ۵۵).

۳ - ۴ - ۵. مالک بن انس

قرطبي ذیل این آیه شریف به نقل از مالک بن انس می نویسد:

نزلت فی أبي بكر وعمر ﷺ (قرطبي، ۱۳۶۴ ش، ج ۱۳، ص ۲۹۷).

آنچه که اهل سنت در حوزه روایات برای اثبات مدعای خود (تطبیق آیه بر خلفا) به آن استناد می کنند، مطالب فوق است. آنچه درباره روایات مورد استناد اهل سنت درباره این آیه شریف باید گفت، این است که تنها یک روایت منتسب به طبقه صحابه، آن هم نه در مقام تبیین و تفسیر این آیه وجود دارد (صرف نظراً از ضعف سندی و دلالتی) و سایر اقوال نیز به دلایل زیر، ضعیف، همراه با تناقض و غیر قابل استنادند. این دلایل عبارت اند از:



۱۲۳



۱. روایت منسوب به ابی بن کعب و براء بن عازب، موقوف و ضعیف است و منتسب به پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نیست. روایت منسوب به ابوالعالیه، ضحاک و مالک - که همگی از تابعین هستند - نیز مقطوع و ضعیف است و هیچ کدام از این اقوال، منتسب به پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نیستند.
۲. آنچه از ظاهر این اقوال برمی آید، این است که این اقوال، صرفاً اجتهاد و رأی شخصی این افراد است؛ به طوری که در روایت ابی بن کعب و براء، سخن از شمول آیه بر همه صحابه است و تطبیقی بر خلفا (به صورت خاص) صورت نگرفته است؛ ولی ضحاک، خلافت ابوبکر، عمر، عثمان و حضرت علی علیه السلام را از این آیه شریف استنباط کرده است. در حالی که ابوالعالیه فقط از ابوبکر، عمر و عثمان یاد می کند، اما مالک، نزول این آیه را فقط درباره ابوبکر و عمر می داند و گویا عثمان و حضرت علی علیه السلام را به دلیل ناامنی های اواخر خلافت عثمان و جنگ های زمان حضرت علی علیه السلام از مصادیق آیه خارج کرده است.
- در حقیقت، اختلاف و تعارضی درباره زمان تحقق وعده موجود در آیه شریف وجود دارد. ضحاک و به تبع او برخی دیگر بر این باورند که این وعده تا پایان خلافت امام علی علیه السلام ادامه داشته است، اما ابوالعالیه و گروهی دیگر از مفسران بعدی معتقدند که خداوند این وعده را از اواخر زمان بعثت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در مدینه تحقق بخشیده و این وعده تا پایان خلافت عثمان امتداد داشته است و به خاطر کفر مردم به نعمت امنیت و تمکین دین و در نتیجه کشتن عثمان، این وعده به اتمام رسید؛ در حالی که مالک نیز تحقق وعده را فقط در زمان ابوبکر و عمر می داند. این تعارضات و اختلافات، علاوه بر این که اجتهاد و رأی شخصی این افراد را نشان می دهد، بنیان مدعای اهل سنت در اثبات خلافت خلفا را سست می کند.
۳. روایت ابی بن کعب و براء بن عازب، درباره زمان تحقق وقوع این وعده ساکت است. بنابراین، دلیلی بر تخصیص وعده به خلفا وجود ندارد. علاوه بر این، مراد از «الذین آمنوا» در روایت ابی بن کعب، روشن نیست. درباره روایت براء نیز باید گفت که علاوه بر نامشخص بودن زمان تحقق این وعده، آیه شریف هیچ گونه دلالتی بر این معنا ندارد.
۴. اگر همان طور که ادعا شده است که این آیه، دلالت صریح بر خلافت خلفا دارد، پس چرا خود خلفا به این آیه برای تأیید یا تثبیت موقعیت خود استناد نکرده اند و چرا هیچ یک از صحابه، این آیه را بر خلفا تطبیق نداده اند؟
۵. در برخی تفاسیر اهل سنت، از قول «مقاتل» و «سُدی» به سبب نزول دیگری اشاره



شده است که جزئی تر موضوع را روشن می کند و ما را به نتیجه ای غیر از اجتهادات مذکور می رساند. در این سبب نزول آمده است که پس از آن که مشرکین در سال صلح حدیبیه (ششم هجری) مانع ورود مسلمانان به مکه شدند، آنان آرزو کردند که شهر مکه را فتح کنند و با امنیت وارد شهر شوند. پس از این بود که این آیه شریف نازل شد (مقاتل، ج ۳، ص ۲۰۶؛ ابن ابی حاتم، ۱۴۱۹ق، ج ۸، ص ۲۶۲۷).

در این سبب نزول، مصداق «ارض» در «لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ» فقط شهر مکه دانسته شده است. براساس این نظر - که وعده استخلاف و تبدیل خوف به امنیت را محدود به شهر مکه می داند - بعد از فتح مکه در سال هشتم هجری، وعده خداوند محقق شد و مسلمانان، همگی از نعمت استخلاف و تمکین دین و نیز رفع خوف برخوردار شدند. پس طبق این نظر، دیگر وجهی برای تخصیص وعده به بعضی از صحابه (خلفا) وجود ندارد.

۶. نکته قابل تأمل درباره روایات اسباب نزولی که در کتب اهل سنت درباره موضوع محل بحث وجود دارد، تعارضاتی است که در این باره به چشم می خورد؛ به طوری که علاوه بر مصادیق پیش گفته، بعضی از این روایات، مصداق این آیه را اهل بیت (ع) معرفی می کنند و گروهی دیگر، همسوبا روایات شیعی، بر تطبیق آیه شریف به عصر ظهور - که دین اسلام در همه زمین، فراگیر شده و بر سایر ادیان چیره می گردد - دلالت دارند. برخی از روایات مورد اشاره، عبارت اند از:

الف) ذُكِرَ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ مُوسَى، أَنبَأَ فَضِيلُ بْنُ مَرْزُوقٍ، عَنْ عَطِيَّةٍ فِي قَوْلِهِ تَعَالَى: ﴿وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ﴾، قَالَ: أَهْلُ بَيْتِ هَاهُنَا، وَ أَشَارَ بِبَيْدِهِ إِلَى الْقِبْلَةِ (ابن ابی حاتم، ۱۴۱۹ق، ج ۸، ص ۲۶۲۸؛ سیوطی، ۱۴۰۴ق، ج ۵، ص ۵۵).

ب) عَنْ السُّدِّيِّ، عَنْ ابْنِ عَبَّاسٍ فِي قَوْلِهِ تَعَالَى: ﴿وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا﴾ إِلَى آخِرِ الْآيَةِ، قَالَ: نَزَلَتْ فِي آلِ مُحَمَّدٍ (حسکانی، ۱۴۱۱ق، ج ۱، ص ۵۳۷).

ج) قَالَ النَّبِيُّ ﷺ: زُوِيَتْ لِيَ الْأَرْضُ فَرَأَيْتُ مَشَارِقَهَا وَمَغَارِبَهَا وَسَيَبُلُغُ مَلِكُ أُمَّتِي مَا زُوِيَ لِيَ مِنْهَا (قرطبی، ۱۳۶۴ش، ج ۱۳، ص ۲۹۸؛ ابن کثیر، ۱۴۱۹ق، ج ۶، ص ۷۱)؛

زمین برای من جمع شد و مشرق و مغرب آن را دیدم و به زودی فرمانروایی امت من تمام زمین را فرا خواهد گرفت.

د) عَنْ الْمُقَدَّادِ بْنِ الْأَسْوَدِ قَالَ: سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ يَقُولُ: مَا بَقِيَ عَلَى ظَهْرِ الْأَرْضِ بَيْتٌ حَجَرٍ وَلَا مَدْرٍ إِلَّا أَدْخَلَهُ اللَّهُ كَلِمَةَ الْإِسْلَامِ بَعَزَّ عَزِيزًا وَ ذُلٌّ ذَلِيلٌ، أَمَّا بَعَزَّهُمْ فَيَجْعَلُهُمْ مِنْ أَهْلِهَا وَ

أَمَّا بَذْلُهُمْ فَيَدِينُونَ بِهَا (قرطبی، ۱۳۶۴ ش، ج ۱۳، ص ۳۰۰)؛

هیچ خانه‌ای نیست مگر آن که خداوند، اسلام را در آن وارد می‌کند که عزیز را عزت‌مند و ذلیل را خوار می‌کند؛ یعنی یا خداوند آن‌ها را عزیز کرده و از اهل اسلام قرار می‌دهد یا ذلیلشان می‌کند تا به دین گردن نهند.

همان طور که دیده می‌شود، دو روایت اخیر، گستره جغرافیایی تمکین و تثبیت دین را تمام زمین تعیین کرده‌اند و دلالت دارند که این وعده در عصر ظهور تحقق پیدا خواهد کرد. این تعارضات و اختلافات در میان روایات سبب نزول اهل سنت، ضعف و سستی ادعاهای آنان را بیش از پیش نمایان می‌سازد.

۴. نتیجه

یکی از راه‌هایی که اهل سنت کوشیده‌اند با استناد به آن، خلافت ابوبکر و دیگر خلفا را اثبات کنند، تعدادی از روایات تفسیری ذیل برخی آیات قرآن کریم است. اما با بررسی روایات آن‌ها روشن می‌شود که بسیاری از این روایات از زمان تابعان و بعد از آن شکل گرفته‌اند و در زمان صحابه مطرح نبوده‌اند. این روایات، ضعیف و در تعارض با روایات دیگر و همراه با اشکالاتی در دلالت و تطبیق بر خلفا هستند و همه این روایات فقط در منابع سنی یافت می‌شوند. در طرف دیگر، روایات ذیل آیات ولایت و فضایل اهل بیت علیهم‌السلام، همگی از طبقه صحابه و در برخی از موارد با چندین طریق مختلف در منابع متعدد شیعه و اهل سنت نقل شده‌اند. علاوه بر آن، این روایات با ظاهر الفاظ قرآن و تحلیل محتوایی آیات و واقعیت‌های تاریخی نیز انطباق و هماهنگی دارند و همین مطلب، اتقان و اعتبار بیشتر این روایات و صحت تفسیر شیعی از این آیات قرآن را اثبات می‌کند.

کتابنامه

قرآن کریم، ترجمه حسین انصاریان
آلوسی، محمود. (۱۴۱۵ق). روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم. بیروت: دارالکتب العلمیه.
ابن ابی حاتم، عبدالرحمن بن محمد. (۱۴۱۹ق). تفسیر القرآن العظیم. ریاض: مکتبه نزار مصطفی الباز.



ابن جوزى، عبدالرحمن بن على. (١٤٢٢ق). زاد المسير فى علم التفسير. بيروت: دارالكتاب العربى.
ابن حجر هيثمى، على بن محمد. (١٩٩٧م). الصواعق المحرقة على أهل الرفض والضلال
والزندقة. بيروت: مؤسسة الرسالة.

ابن شهر آشوب، محمد بن على. (١٣٧٩ق). مناقب آل أبى طالب عليه السلام. قم: نشر علامه.
ابن طاووس، سيد على. (١٤١٣ق). التحصين لأسرار ما زاد من أخبار اليقين (اليقين
باختصاص على بامرة المؤمنين). قم: مؤسسه دارالكتاب (الجزائرى).
ابن عساكر. (١٤١٥ق). تاريخ مدينة دمشق، تحقيق: على شيرى، بيروت: دارالفكر للطباعة و
النشر والتوزيع.

ابن عطيه، عبدالحق بن غالب. (١٤٢٢ق). المحرر الوجيز فى تفسير الكتاب العزيز. بيروت:
دارالكتب العلمية.

ابن كثير، اسماعيل بن عمر. (١٤٠٧ق). البداية و النهاية. بيروت: دارالفكر.
ابن كثير، اسماعيل بن عمر. (١٤١٩ق). تفسير القرآن العظيم. بيروت: دارالكتب العلمية.
ابن مردويه، احمد بن موسى. (١٣٨٢ش). مناقب على بن أبى طالب عليه السلام وما نزل من القرآن
فى على. قم: مؤسسه علمى فرهنگى دار الحديث.
بحرانى، هاشم بن سليمان. (١٤١٥ق). البرهان فى تفسير القرآن. قم: مؤسسة البعثة، قسم
الدراسات الإسلامية.

بحرانى، سيد هاشم بن سليمان. (١٤٢٢ق)، غاية المرام و حجة الخصام فى تعيين الامام من
طريق الخاص و العام، بيروت: مؤسسة التاريخ العربى.
بغوى، حسين بن مسعود. (١٤٢٠ق). معالم التنزيل فى تفسير القرآن. بيروت: دار احياء
التراث العربى.

تفتازانى، سعد الدين. (١٤٠٩ق). شرح المقاصد. قم: انتشارات الشريف الرضى.
ثعالبى، عبدالرحمن بن محمد. (١٤١٨ق). جواهر الحسان فى تفسير القرآن. بيروت: دار
احياء التراث العربى.

ثعلبى، احمد بن ابراهيم. (١٤٢٢ق). الكشف و البيان عن تفسير القرآن. بيروت: دار احياء
التراث العربى.

جرجانى، سيد شريف. (١٣٢٥ق). شرح الموافق. قم: انتشارات الشريف الرضى.

حاکم حسکانی، عبیدالله بن احمد. (۱۴۱۱ق). شواهد التنزیل لقواعد التفضیل. تهران: سازمان چاپ و انتشارات وزارت ارشاد اسلامی.

حاکم نیشابوری، محمد بن عبدالله. (۱۴۱۱ق). المستدرک علی الصحیحین. بیروت: دارالکتب العلمیه.

حاکم نیشابوری، محمد بن عبدالله. (۱۴۲۴ق). معرفة علوم الحديث و كمية أجناسه. بیروت: دار ابن حزم.

حلی، حسن بن یوسف. (۱۳۷۹ش). منهاج الکرامه فی معرفة الإمامة. مشهد: تاسوعا.

حموینی، ابراهیم بن محمد. (۱۴۰۰ق). فرائد السمطین. بیروت: مؤسسة المحمودی.

خطیب بغدادی، احمد بن علی. (۱۴۱۷ق). تاریخ بغداد، بیروت: دارالکتب العلمیه.

درآباد، حامد. (۱۳۹۳ش). ارزیابی مبانی و ادله قرآنی خلافت خلفاء. قم: نشر مشعر.

ذهبی، محمد بن احمد. (بی تا). میزان الاعتدال فی نقد الرجال. بیروت: دارالمعرفة للطباعة والنشر.

زمخشری، محمود. (۱۴۰۷ق). الكشف عن حقائق غوامض التنزیل. بیروت: دارالکتب العربی.

سیوطی، عبدالرحمن بن ابی بکر. (۱۴۰۴ق). الدر المنثور فی التفسیر بالمأثور. قم: کتابخانه عمومی آیت الله العظمی مرعشی نجفی.

سیوطی، عبدالرحمن بن ابی بکر. (بی تا). لباب النقول فی أسباب النزول. بیروت: دارالکتب العلمیه، منشورات محمد علی بیضون.

الشریف المرتضی. (۱۴۱۰ق). الشافی فی الامامة، قم: مؤسسة إسماعیلیان.

صدوق، محمد بن علی بن بابویه. (۱۳۷۶ش). الأمالی. تهران: انتشارات کتابچی.

صدوق، محمد بن علی بن بابویه. (۱۳۹۵ق). کمال الدین و تمام النعمة، تهران: چاپ اسلامی.

طباطبایی، محمدحسین. (۱۳۹۰ق). المیزان فی تفسیر القرآن. بیروت: مؤسسة الأعلمی للمطبوعات.

طبرانی. (۱۴۱۵ق/۱۹۹۵م). المعجم الأوسط. قاهره: الحرمین للطباعة والنشر والتوزیع.

طبرسی، أحمد بن علی بن أبی طالب. (۱۳۸۶ش). الاحتجاج علی اهل اللجاج. النجف

الأشرف: مطابع النعمان

طبرسی، فضل بن حسن. (۱۳۷۲ش). مجمع البیان فی تفسیر القرآن. تهران: انتشارات ناصرخسرو.

طبري، محمد بن جرير. (١٤١٢ق). جامع البيان في تفسير القرآن. بيروت: دارالمعرفة.

طبري، محب الدين احمد بن عبدالله. (١٤٢٤ق). الرياض النضرة في مناقب العشرة. بيروت: دار الكتب العلمية، منشورات محمد علي بيضون.

طوسي، محمد بن حسن. (١٤١٤ق). الامالي. قم: دارالثقافة.

طوسي، محمد بن حسن. (بي تا). التبيان في تفسير القرآن. بيروت: دار احياء التراث العربي

فخر رازي، محمد بن عمر. (١٩٨٦م). الاربعين في اصول الدين. قاهره: مكتبة الكليات الأزهرية.

فخر رازي، محمد بن عمر. (١٤٢٠ق). مفاتيح الغيب. بيروت: دار احياء التراث العربي.

قرطبي، محمد بن احمد. (١٣٦٤ش). الجامع لأحكام القرآن. تهران: انتشارات ناصر خسرو.

كليني، محمد بن يعقوب. (١٤٠٧ق). الكافي. تصحيح علي اكبر غفاري. تهران: دارالكتب الاسلاميه.

مقاتل بن سليمان. (١٤٢٣ق). تفسير مقاتل. بيروت: دار احياء التراث.

واحدى نيشابورى، على بن احمد. (١٤١١ق). اسباب نزول القرآن. بيروت: دارالكتب العلمية.

